

لغزش  
در فهم معنای  
«ان»

و

مترجمان

مرتضی کرباسی

مقدمه:

اهمیت درک صحیح و عمیق از ادبیات قرآن کریم، در فهم و تحصیل معانی آیات آن، نزد قرآن پژوهان، روشن است. از این روی، در طول بیش از هزار سال، مفسران فریقین، بخشی از تفسیر خود را به بیان مدلول لغات، ارتباطات نحوی و صرفی و نکات معانی و بیان در آیات قرآن اختصاص داده اند. از این میان، سهم علم نحو بسیار عظیم است، تا آن جا که بسیاری از نحویان، کتابهای اعراب القرآن نوشته و در آن، به کندوکاو در باب ترکیب و اعراب تک تک آیات قرآن پرداخته اند. ادیبانی از قدیم و جدید، همچون مکی بن ابی طالب، ابن انباری، عکبری، زمخشری و ابوحیان در تفاسیر خود، محیی الدین الدرویش، محمود صافی و دیگران، همگی کوشیده اند تا همه، یا بخشی از آیات قرآن کریم را تجزیه و ترکیب کنند.

برای پی بردن به قدر و منزلت اعراب القرآن، کافی است به ترجمه های فارسی قرآن کریم، در گذشته و حال سری بزنیم و ببینیم که بخشی از اشتباهات و اختلافات مترجمان، ناشی از غفلت آنان از نکات بسیار ساده نحوی و یا ضعف ایشان در ادبیات قرآن کریم است.

در مواردی، «ما»ی موصوله شرطیه را به «ما»ی نافیه معنی کرده اند. چه بسیار «ان» مخففه از ثقیله را به معنای «ان» وصلیه گرفته اند. گاه یک تمیز را مفعول له فرض کرده و چه بسا «باء» تعدیه ای را نشناخته و بدین سبب فعلی را لازم آورده اند.

نوشتار حاضر، از دو بخش تشکیل می شود.

۱. بحث کوتاه نحوی درباره ماهیت «ان» مخففه از ثقیله، موارد کاربرد و راه تشخیص آن.
۲. بررسی ترجمه «ان» مخففه از ثقیله در میان مترجمان معاصر.

\*\*\*

### ماهیت «ان» مخففه از ثقیله، موارد کاربرد و راه تشخیص آن

تشخیص «ان» مخففه از ثقیله از انواع دیگر آن، چندان مشکل نیست. وقتی «ان» (از ادات تحقیق و تاکید) بدون تشدید ادا شود، نحویان گویند ان تخفیف یافته است. در آن هنگام معنای «ان» تفاوت نمی یابد، اما شکل ظاهری و نحوه عمل آن تغییر می کند. «ان» مخففه از ثقیله، برخلاف ان، هم برسر جملات اسمیه وارد می شود و هم فعلیه.

عمل آن در جملات اسمیه، نادر است، اما نایاب نیست. تنها مثال آن در قرآن کریم آیه ۱۱۱ سوره هود است: ان کلا لما لیوفینهم. (به تخفیف ان و لما بنابر قرائت نافع و ابن کثیر، هردو از قرآء سبعه).

موارد اهمال «ان» مخففه و عدم عمل آن در جملات اسمیه، بیشتر از اعمال آن است. از جمله آیه: ان هذان لساحران (طه - ۶۳) که در صورت عمل کردن «هذین» خوانده می شد.<sup>۱</sup> با آن که «ان» مخففه از ثقیله، برخلاف ان، برسر جملات فعلیه بسیار وارد می شود، لیکن در این موارد، همواره، اهمال می شود و عمل نمی کند.<sup>۲</sup>

برخلاف این نظر مشهور، دو نظر مشابه وجود دارد:

۱. از آن زمخشری است. وی، «ان» مخففه از ثقیله را در ضمیر شأن محذوف، عامل می داند و خبر «ان» را جملیه فعلیه می پندارد. البته این رأی او در تفسیر کشاف است.<sup>۳</sup> اما نظر وی در کتاب نحوی اش: «الفصل»، مانند مشهور است.

۲. ابوالبقاء عکبری است.<sup>۴</sup> وی نیز، به اعمال «ان» مخففه معتقد است و اسم آن را ضمیری مناسب با فاعل جملیه فعلیه می داند.<sup>۵</sup>

فعلی که «ان» مخففه از ثقیله بر آن داخل می شود، باید از افعال ناسخ مبتدا باشد. مانند افعال ناقصه (کان)، افعال مقاربه (کاد) و افعال قلوب (وجد، ظن)، و مثالهای «ان» مخففه در قرآن کریم، همگی از همین چهار فعل می باشند.<sup>۶</sup>

نشانه مشترک «ان» مخففه از ثقیله، در جملات اسمیه و فعلیه، وجود یک لام مفتوح بعد از «ان» می باشد. این شاهد، به اندازه ای قابل اطمینان است که لغویان، نحویان و مفسران ادیب، تاکید می کنند:

«هرجا پس از ان، لام مفتوحه یافتید، حکم کنید که «ان»، مخففه از ثقیله است.»<sup>۷</sup> این که این لام مفتوحه، لام ابتدائیت است، یا قسم دیگر، در میان نحویان اختلاف است، اما همه اتفاق دارند که فایده لام مفتوحه این است که «ان» مخففه (به معنای تحقیق و تاکید مضمون جمله) با «ان» نافیه مشتبه نشود، زیرا پس از «ان» نافیه هیچ گاه لام مفتوحه نمی آید. یادآوری: نحویان کوفی، تخفیف ان را نمی پذیرند و در تمام مثالهای «ان» مخففه، «ان» را از نوع نافیه دانسته و لام مفتوح موجود در جمله را به معنی «الای استثنایی می گیرند. مثلاً آیه: «وان كانوا من قبل لفی ضلال مبین» (آل عمران: ۱۶۴) را به معنای: «ما كانوا من قبل الا فی ضلال مبین» می دانند البته این تقدیر، در تمام مثالهای «ان» مخففه جاری نیست، اگرچه در برخی از تفاسیر عربی و فارسی در ذیل بعضی از آیات، «ان» مخففه، به کار گرفته شده است.

### بررسی «ان» مخففه از ثقیله در میان مترجمان معاصر

در ۲۴ آیه از قرآن کریم «ان» مخففه از ثقیله آمده است. البته بنابر روایت حفص از عاصم. این آیات، عبارتند از: ۱ و ۲. بقره ۱۴۳ و ۱۹۸. آل عمران ۱۶۴. انعام ۱۵۶. اعراف ۱۰۲. یونس ۲۹. هود ۷. یوسف ۳ و ۹. حجر ۷۸. انعام ۱۰ و ۱۱ و ۱۲. اسراء ۷۳ و ۷۶ و ۱۰۸. طه ۶۳. مومنون ۳۰. فرقان ۱۶ و ۱۷. شعراء ۹۷ و ۱۸. قصص ۱۰ و ۱۹. روم ۴۹. صافات ۲۱ و ۵۶. زمر ۲۲ و ۵۶. جمعه ۲ و ۲۴. قلم ۵۱. به جز آیه ۶۳ سوره طه، در بقیه موارد «ان» مخففه برسر فعل درآمده است. شواهد و نشانه هایی که برای «ان» مخففه از ثقیله ذکر کردیم، در تمام ۲۴ آیه موجود است. علاوه بر این، نحویان معاصر، همچون محیی الدین الدرویش و محمود صافی، در کتابهای اعراب القرآن خود، در ذیل تک تک این آیات تذکر داده اند: «ان» مخففه از ثقیله است. همچنین در تفاسیری مانند تبیان، مجمع البیان، بحرالمحیط و کشف کامبیش این تذکر آمده است.

حال به بررسی ترجمه این آیات در میان مترجمان معاصر و برخی از تفاسیر فارسی می پردازیم. در این بررسی، ۱۲ ترجمه و ۴ تفسیر فارسی مورد نظر بوده است. ترجمه ها: ترجمه آقایان علینقی فیض الاسلام، عباس مصباح زاده، مهدی الهی قمشه ای، زین العابدین رهنما، شیخ محمود یاسری (به تصحیح مرحوم شعرانی)، محمدکاظم معزی، ابوالقاسم پاینده، عبدالمحمد آیتی، محمدباقر بهبودی، جلال الدین فارسی، جلال الدین مجتبوی، محمد خواجهی. تفاسیر: تفسیر روان جاوید اثر مرحوم میرزا محمد ثقفی تهرانی، تفسیر نمونه به قلم

جمعی از نویسندگان، منهج الصادقین، اثر مرحوم ملافتح الله کاشانی، و تفسیر شریف لاهیجی، اثر مرحوم بهاءالدین محمد شریف لاهیجی با تصحیح و مقدمه دکتر محمد ابراهیم آیتی.

در ترجمه آیاتی که در آنها «ان» مخففه از ثقیله آمده است، کلماتی مانند: همانا، هرآینه، بدرستی که، به تحقیق، به یقین، بی شک، بی تردید و نظایر آن صحیح اند. اما چه بسا مترجمان در ترجمه برخی از این موارد، تعبیراتی نظیر اگرچه، هرچند و مانند آن آورده اند. این گونه ترجمه، نشان می دهد که مترجم «ان» را از نوع شرطیه و صلیه دانسته است، حال آن که به یقین در قرآن «ان» و صلیه، به معنای «اگرچه، هرچند»، نیامده است.<sup>۸</sup> (هرچند لو و صلیه بسیار است مانند: وما اکثر الناس ولو حرصت بمؤمنین.)

زیرا هیچ گاه پس از «ان» و صلیه، لام مفتوحه نمی آید، درحالی که در ۲۴ آیه موردنظر لام مفتوحه موجود است. اساساً «ان» و «لو» و صلیه از جنس «ان» و «لو» شرطیه می باشند که گوینده، به هیچ وجه، قصد ندارد برای آنها جواب شرطی بیاورد. از آن جا که این گونه سخن گفتن به فنون معانی و بیان مربوط می شود، عالمان علم بلاغت (ونه نحویان) از آن بحث می کنند و در کتب معانی و بیان برای آن مثالهایی مانند «زید وان کثیر ماله بخیل» می آورند.<sup>۹</sup> دقت در نوع مثالهای «ان» و صلیه و نیز اوصاف «ان» مخففه روشن می سازد که در این ۲۴ آیه قرآن کریم «ان» از نوع مخففه و برای تاکید مضمون جمله است. اگر در این آیات (بنا به فرض) «ان» و صلیه به کار رفته باشد، مترجمان می باید در ترجمه تمام آنها از عبارات «گرچه» و «هرچند» استفاده کنند، درحالی که برخی از مترجمان بعضی از آیات را به صورت و صلیه معنی کرده اند. عجیب تر اینکه، گاه یک آیه را که در دو سوره قرآن به کار رفته است، به دو گونه مخففه و و صلیه ترجمه کرده اند. مانند: ترجمه آقای مصباح زاده در آیه «وان كانوا من قبل لفی ضلال مبین» (آل عمران: ۱۶۴) و (جمعه: ۲).

و نیز ترجمه همین آیه در تفسیر روان جاوید در دو سوره مختلف، به دو صورت متفاوت انحام شده است.

از میان مترجمان معاصر، مرحوم فیض الاسلام و آقایان بهبودی و مجتوبی، هیچ کدام از آیات ۲۴ گانه را به صورت و صلیه ترجمه نکرده اند، هرچند در مواردی نیز از کلمات تحقیق استفاده نکرده و جهت روانی ترجمه، آن را بدون تاکید آورده اند. از جمله: در ترجمه آیه ۴۲، سوره فرقان.

کسانی که در تمام این آیات، کلمه تاکید را آورده و «ان» را مخففه معنی کرده اند، مرحوم

شریف لاهیجی در تفسیر شریف لاهیجی و مرحوم ملافتح الله کاشانی در تفسیر منهج الصادقین می باشند. حتی مرحوم ابوالفتح رازی، که در اکثر موارد، تذکر می دهد که وجود لام مفتوحه دلیل آن است که «ان» مخففه از ثقیله است، در مواردی «ان» را به صورت وصلیه ترجمه کرده است.<sup>۱۰</sup>

از این مترجمان و مفسران که بگذریم، بقیه مترجمان معاصر، برخی از آیات را وصلیه و باقی را صحیح ترجمه کرده اند، گرچه، گاهی در ترجمه «ان»، از کلمات تاکید استفاده نکرده اند. آقایان فارسی ۹ مورد، مصباح زاده و پاینده هرکدام ۸ مورد، رهنما ۷ مورد، تفسیر نمونه و معزی ۶ مورد، یاسری، خواجوی و آیتی هرکدام ۵ مورد، الهی قمشه ای ۴ مورد و تفسیر روان جاوید در ۳ مورد «ان» مخففه را به وصلیه ترجمه کرده اند.

اکنون به ترجمه آیات موردنظر می پردازیم و در ذیل هر آیه نحوه ترجمه هریک از مترجمان را متذکر می شویم.

#### ۱. وان كانت لكبيرة الا على الذين هدى الله. (بقره: ۱۴۳)

و بی شک (تغییر قبله) بسیار گران بود مگر برآنان که خداوند هدایتشان کرد.

بهبودی، مجتبوی، فیض الاسلام، کاشانی، لاهیجی و معزی مخففه معنی کرده اند. الهی قمشه ای بدون تاکید، ترجمه کرده است.

مصباح زاده، آیتی، فارسی، خواجوی، رهنما، پاینده، یاسری، تفاسیر نمونه و روان جاوید وصلیه معنی کرده اند.

#### ۲. واذكروها كما هداكم وان كنتم من قبله لمن الضالين. (بقره: ۱۹۸)

اورا یاد کنید که شما را راه نمود و هر آینه پیش از آن (هدایت) از گمراهان بودید.

مجتبوی، بهبودی، فیض الاسلام، کاشانی و لاهیجی مخففه معنی کرده اند.

آیتی، الهی قمشه ای، خواجوی و یاسری بدون تاکید ترجمه کرده اند.

مصباح زاده، فارسی، رهنما، پاینده، معزی و تفاسیر نمونه و روان جاوید وصلیه معنی کرده اند.

#### ۳. وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين. (آل عمران: ۱۶۴)

درحالی که به یقین پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

بهبودی، فیض الاسلام، مجتبوی، کاشانی و لاهیجی مخففه معنی کرده اند.

معزی، پاینده، رهنما، مصباح زاده، الهی قمشه ای، یاسری، فارسی، خواجوی، آیتی،

و تفاسیر روان جاوید و نمونه وصلیه ترجمه کرده اند.

تذکر: «واو» در این آیه و آیات ۳ و ۹۱ و ۹۲ سورۀ یوسف و ۲ سورۀ جمعه ممکن است «واو» حالیه نباشد.

۴. ان تقولوا انما انزل الكتاب على طائفتين من قبلنا وان كنا عن دراستهم لغافلین. (انعام: ۱۵۶)

تا نگویید که تنها بر دو طائفۀ (یهود و نصاری) پیش از ما کتاب (تورات و انجیل) فرستاده شد و هرآینه ما از تعلیم و یادگیری آنان بی خبر بودیم. مجتبوی، مصباح زاده، یاسری، کاشانی، لاهیجی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

بهبودی، الهی قمشه ای، معزی، فارسی، آیتی، فیض الاسلام و تفسیر نمونه، بدون تاکید ترجمه کرده اند.

خواجوی، رهنما و پاینده و صلیه معنی کرده اند. در این آیه و آیه بعد (اعراف: ۱۰۲) ترجمۀ «ان» به صورت و صلیه، جدای از اشکال نحوی، اساساً معنای محصل و مفهومی ندارد.

۵. وما وجدنا لاكثرهم من عهد وان وجدنا اكثرهم لفاسقین. (اعراف: ۱۰۲)  
از بیشتر آنان پیمان (استواری) ندیدیم و همانا اکثر آنان را تبهکار یافتیم. لاهیجی، کاشانی، رهنما، فیض الاسلام، مجتبوی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

یاسری، الهی قمشه ای، پاینده، معزی، خواجوی، آیتی، بهبودی، فارسی و تفسیر نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند.

مصباح زاده و صلیه معنی کرده است و به این ترتیب معنای آیه و ازگون شده است.

۶. فكفى بالله شهيدا بيننا وبينكم ان كنا عن عبادتكم لغافلین. (یونس: ۲۹)  
پس خداوند برای گواهی میان ما و شما (در اینکه) بی شک ما از پرستشتان بی خبر بودیم، کافی است.

لاهیجی، مجتبوی، یاسری، خواجوی، کاشانی و رهنما مخففه معنی کرده اند. آیتی، فیض الاسلام، معزی، مصباح زاده، الهی قمشه ای، پاینده، فارسی، بهبودی و تفسیر روان جاوید و نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند.

۷. وان كنت من قبله لمن الغافلین. (یوسف: ۳)  
حال آن که به یقین پیش از آن (وحی) از بی خبران بودی (و این داستان را نمی دانستی).

لاهیجی، مجتبوی، مصباح زاده، بهبودی، کاشانی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

آیتی و فیض الاسلام بدون تاکید ترجمه کرده اند.

رهنما، الهی قمشه ای، یاسری، پاینده، معزی، فارسی، خواجهی و تفسیر نمونه وصلیه معنی کرده اند.

۸. قالوا تالله لقد اثرى الله علينا وان كنا لظالمين. (یوسف: ۹۱)

(برادران یوسف) گفتند: به خدا سوگند که خدا تورا برما برتری داد، حالی که ما به یقین لغزشکار بودیم.

بهبودی، مجتبوی، مصباح زاده، فیض الاسلام، کاشانی، لاهیجی، یاسری، معزی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

آیتی، الهی قمشه ای، فارسی، خواجهی، پاینده و تفسیر نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند. رهنما، وصلیه ترجمه کرده است.

۹. وان كان اصحاب الايكة لظالمين. (حجر: ۷۸)

وهمانا مردم (سرزمین) ای که ستمکار بودند.

بهبودی، مجتبوی، فیض الاسلام، رهنما، لاهیجی، کاشانی و تفسیر نمونه و روان جاوید، مخففه معنی کرده اند.

الهی قمشه ای، آیتی، خواجهی و یاسری بدون تاکید ترجمه کرده اند.

فارسی، مصباح زاده و معزی وصلیه معنی کرده اند.

۱۰. وان كادوا ليفتنونك عن الذي اوحينا اليك. (اسراء: ۷۲)

همانا نزدیک بود که تورا از آنچه بر تو وحی کردیم بفرمانند.

مصباح زاده، لاهیجی، مجتبوی، فیض الاسلام، کاشانی، یاسری، معزی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

رهنما، الهی قمشه ای، خواجهی، فارسی، آیتی، بهبودی، پاینده و تفسیر نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند.

۱۱. وان كادوا ليستفزونك من الارض ليخرجوك منها. (اسراء: ۷۶)

همانا نزدیک بود تورا از سرزمین برانگیزانند (شهر را بر تو ناامن کنند) تا تورا از آن بیرون کنند.

مجتبوی، فیض الاسلام، کاشانی، یاسری، معزی، مصباح زاده، لاهیجی و تفسیر روان

جاوید مخففه معنی کرده اند.

الهی قمشه ای، رهنما، خواجوی، فارسی، آیتی، بهبودی، پاینده و تفسیر نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند.

۱۲. ان كان وعد ربنا لمفعولا. (اسراء: ۱۰۸)

به یقین وعده پروردگار ما انجام شدنی است.

معزی، لاهیجی، کاشانی، الهی قمشه ای، فیض الاسلام، مصباح زاده، یاسری، رهنما، مجتبوی، خواجوی، بهبودی، فارسی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

پاینده، آیتی و تفسیر نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند.

۱۳. قالوا ان هذان لساحران. (طه: ۶۳)

گفتند: بی تردید این دو جادوگرند.

پاینده، الهی قمشه ای، رهنما، خواجوی، آیتی و فارسی بدون تاکید ترجمه کرده اند.

لاهیجی، کاشانی، فیض الاسلام، مجتبوی، بهبودی، مصباح زاده، یاسری، معزی و تفسیر نمونه و روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

در آیات شماره ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، هیچ کدام از مترجمان «ان» را وصلیه نگرفته اند.

۱۴. وان كنا لمبتلین. (مومنون: ۳۰)

و یقیناً ما آزمایش کننده ایم.

معزی، الهی قمشه ای، فیض الاسلام، مصباح زاده، یاسری، کاشانی، لاهیجی، مجتبوی، بهبودی و تفسیر نمونه و روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

آیتی، خواجوی و پاینده بدون تاکید ترجمه کرده اند.

آقای فارسی، وصلیه معنی کرده اند. در این آیه نیز، ترجمه «ان» به صورت وصلیه (گرچه) معنای آیه را واژگون و غیرمحصّل می کند.

۱۵. ان كاد ليضلنا عن آلهتنا لولا ان صبرنا عليها. (فرقان: ۴۲)

هرآینه نزدیک بود ما را از (پرستش) خدایانمان گمراه کند، اگر بر آنها استقامت نمی کردیم.

مصباح زاده، کاشانی، لاهیجی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

یاسری، فیض الاسلام، الهی قمشه ای، پاینده، معزی، مجتبوی، خواجوی، بهبودی، آیتی

و تفسیر نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند.

۱۶. تالله ان كنا لفي ضلال مبين. (شعراء: ۹۷)

به خدا سوگند همانا در گمراهی آشکاری بودیم.

یاسری، فیض الاسلام، مصباح زاده، معزی، مجتبوی، کاشانی، لاهیجی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

الهی قمشه ای، پاینده، آیتی، خواجهی، بهبودی، فارسی و تفسیر نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند.

۱۷. وان نظنک لمن الکاذبین. (شعراء: ۱۸۶)

وهمانا تو را از دروغگویان می دانیم.

معزی، فیض الاسلام، مصباح زاده، یاسری، مجتبوی، لاهیجی، کاشانی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

الهی قمشه ای، پاینده، بهبودی، فارسی، خواجهی، آیتی و تفسیر نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند.

۱۸. ان کادت لتبدي به لولا ان ربطنا علی قلبها. (قصص: ۱۰)

اگر دلش را استوار و محکم نمی داشتیم هرآینه نزدیک بود آن (راز) را افشا کند.

مجتبوی، مصباح زاده، یاسری، کاشانی، لاهیجی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

فیض الاسلام، الهی قمشه ای، پاینده، معزی، خواجهی، آیتی، فارسی، بهبودی و تفسیر نمونه بدون تاکید ترجمه کرده اند.

۱۹. وان کانوا من قبل ان ینزل علیهم من قبله لیلسین. (روم: ۴۹)

وهمانا پیش از آنکه (باران) برایشان نازل شود، و پیش از (آمدن) آن (ابر) ناامید بودند.

الهی قمشه ای، فیض الاسلام، مجتبوی، لاهیجی، کاشانی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی کرده اند.

بهبودی بدون تاکید ترجمه کرده است.

پاینده، یاسری، آیتی، خواجهی، فارسی، مصباح زاده، معزی و تفسیر نمونه وصلیه معنی کرده اند.

۲۰. قال تالله ان کدت لتردین. (صافات: ۵۶)

گفت: به خدا قسم هرآینه نزدیک بود مرا هلاک کنی.

فیض الاسلام، مجتبوی، مصباح زاده، کاشانی، لاهیجی، معزی مخففه معنی کرده اند.

الهی قمشه ای، خواجهی، فارسی، آیتی، بهبودی، یاسری، پاینده و تفسیر نمونه بدون تاکید

ترجمه کرده اند.

۲۱. وان كانوا ليقولون. (صافات: ۱۶۷)

یقیناً می گفتند.

فیض الاسلام، الهی قمشه ای، بهبودی، مجتبوی، یاسری، کاشانی، لاهیجی و تفسیر روان

جاوید مخففه معنی کرده اند.

خواجوی و تفسیر نمونه بدون تأکید ترجمه کرده اند.

آیتی، فارسی، مصباح زاده و پاینده و صلیه معنی کرده اند.

آقای محمدکاظم معزی به هردو صورت مخففه و صلیه ترجمه کرده است.

۲۲. ان تقول نفس يا حسرتي على ما فرطت في جنب الله وان كنت لمن الساخرين.

(زمر: ۵۶)

[پیش از آن] که کسی گوید: افسوس بر آنچه درباره خدا کوتاهی کردم و هرآینه من از

مسخره کنندگان بودم.

یاسری، مصباح زاده، مجتبوی، کاشانی، لاهیجی و تفسیر روان جاوید مخففه معنی

کرده اند.

فیض الاسلام، الهی قمشه ای، پاینده، آیتی، فارسی، خواجوی، بهبودی و تفسیر نمونه

بدون تأکید ترجمه کرده اند.

۲۳. وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين. (جمعه: ۲)

ترجمه: حال آن که یقیناً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

فیض الاسلام، مصباح زاده، مجتبوی، کاشانی، لاهیجی و تفسیر روان جاوید مخففه

ترجمه کرده اند.

خواجوی و بهبودی بدون تأکید ترجمه کرده اند.

الهی قمشه ای، آیتی، فارسی، یاسری، معزی، پاینده و تفسیر نمونه و صلیه معنی کرده اند.

۲۴. وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذکر. (قلم: ۵۱)

آن گاه که کافران قرآن را می شنوند، هرآینه نزدیک است تو را چشم [زخم] بزنند.

لاهیجی، کاشانی، فیض الاسلام، معزی، بهبودی، مجتبوی، مصباح زاده و تفسیر روان

جاوید مخففه معنی کرده اند.

الهی قمشه ای، یاسری، پاینده، فارسی، آیتی، خواجوی و تفسیر نمونه بدون تأکید ترجمه

کرده اند.

آقای بهاء‌الدین خرمشاهی، در مقاله «اصطلاحات قرآنی در محاوره فارسی» این آیه را وصلیه معنی کرده است.<sup>۱۱</sup>

۱. مثالهای قرآنی دیگر عبارتند از: ان کلّ ما جمیع لدینا محضرون (یس: ۳۲)، بنابراین قرأت غیرعاصم، حمزه و ابن عامر. ان کلّ ذلک ما متاع الحیوة الدنیا (زخرف: ۳۵)، بنابراین قرأت غیرعاصم و حمزه. ان کلّ نفس ما علیها حافظ (طارق: ۴)، بنابراین قرأت غیرعاصم و حمزه و ابن عامر.

۲. «معنی اللیب»، ابن هشام انصاری تحقیق مازن مبارک و دیگران، ج ۱/۳۷، «نحو وافی»، عباس حسن، ج ۱/۶۱۲.

۳. «الکشاف»، زمخشری، ج ۱/۴۳۶ و ج ۲/۸۱. در واقع نظر زمخشری آن است که «ان» مخففه از ثقیله، بر جمله فعلیه وارد نشده است، بلکه هنوز هم در جمله اسمیه عمل کرده و اسم «ان» مخففه، ضمیر شأن محذوف است. سید محمود آلوسی، در تفسیر خود، نظر زمخشری و عکبری را به نحوین پیشتر، چون مکی بن ابی طالب (متوفی ۴۳۷ق) نسبت می‌دهد. آن گاه از قول ابی حیان غرناطی، نحوی مشهور، ردی بر این دوقول غیرمشهور می‌آورد. ر. ک.: «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی»، سید محمود آلوسی، ج ۴/۱۰۲، انتشارات جهان، تهران.

۴. «املاء ما من به الرحمن»، ابوالبقاء عکبری، ج ۱/۲۱۸ و ج ۲/۱۴۸.

۵. نحوین معاصر، محیی‌الدین الدرویش و محمود صافی در کتابهای اعراب القرآن خود، در بیان ترکیب جملاتی که در آنها «ان» مخففه به کار رفته است، دارای رای مضطرب و غیر یکسان هستند.

محیی‌الدین الدرویش در «اعراب القرآن الکریم و بیانه» ج ۱/۲۰۵، ج ۳/۴۱۷ و ج ۲/۹۵، می‌گوید: «ان» مخففه از ثقیله در جمله فعلیه عمل نمی‌کند و اهمال آن واجب است. در ج ۵/۴۷۸، ج ۷/۵۱۲ و ج ۸/۲۷۳، می‌گوید: اهمال و اعمال آن هردو جایزند. در ج ۷/۲۸۳ و ج ۱۰/۱۸۶، اهمال را بهتر از اعمال می‌داند. در ج ۷/۹۶ و ج ۶/۵۰۹، آن را قطعاً در جمله فعلیه عامل دانسته، اسم «ان» را ضمیر شأن محذوف و خبر آن را جملیه فعلیه مذکور می‌شمارد.

محمود صافی نیز، در: «الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه»، ج ۸/۹۰ و ج ۱۰/۱۳۲، ج ۱۰/۲۲، ج ۱۲۰ و ج ۲۲۶ و ج ۲۲/۶۰، ج ۲۰۱، «ان» مخففه را در جملات فعلیه واجب‌الاهمال می‌داند (نظر مشهور). در ج ۶/۳۷۸، ج ۸/۳۸۵ و ج ۹/۱۷۲ و ج ۱۷۵، «ان» مخففه را عمل‌کننده در ضمیر شأن محذوف دانسته و خبر آن را جمله فعلیه قرار می‌دهد (نظر زمخشری). در ج ۷/۵۸ و ج ۱۴/۲۴۴، «ان» مخففه را عامل دانسته و اسم آن را ضمیری مناسب با فاعل جمله فعلیه معرفی می‌کند و جمله فعلیه را خبر «ان» می‌داند. (نظر عکبری).

۶. سیوطی در «معجم الهوامع فی شرح الجوامع»، ج ۱/۱۴۲ می‌گوید: «ابن مسعود آیه ۵۲ سوره اسراء را به صورت ان لیثتم لقلیلاً قرأت کرده است.

در این صورت، این مثال خلاف می‌شود که در آن «ان» مخففه بر فعل غیرناسخ (لیث) وارد شده است. البته همه نحوین

اتفاق دارند که بر این مثال، نمی توان قیاس کرد.

۷. به عنوان نمونه ر. ک: «القاموس المحیطه فیروزآبادی؛ «تاج العروس» زبیدی، ذیل ماده «ان»؛ «الاتقان فی علوم القرآن،

سیوطی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲/۲۰۰؛ «معنی اللیب»، ابن هشام، تحقیق مازن مبارک و دیگران، ج ۱/۳۷.

۸. مترجمان معاصر، غیر از آیات ۲۴ گانه ای که در آنها «ان» مخففه از ثقیله به کار رفته است، در دو مورد دیگر نیز «ان» را به صورت وصلیه معنی کرده اند.

الف: آقایان الهی قمشه ای و خواجوی در آیه ۲۸ سوره نحل: «ان تحرص علی هداهم فان الله لایهدی من یضلّ و ما لهم من ناصرین» «ان» شرطیه را به صورت وصلیه (اگرچه) ترجمه کرده اند، در حالی که «ان» در این آیه به همان صورت شرطیه می باشد و شاهد آن هم وجود «فاء» در جواب شرط می باشد.

ب: در آیه ۴۶ سوره ابراهیم: «وقد مکروا مکرم و عند الله مکرم و ان کان مکرم لتزول منه الجبال» اکثر مترجمان معاصر «ان» را به صورت وصلیه معنی کرده اند، حال آن که «ان» در این آیه ناقیه است. تنها مرحوم فیض الاسلام و نیز تفاسیر روان جاوید و شریف لاهیجی آن را به طور صحیح به صورت ناقیه ترجمه کرده اند. البته از میان قرآء سبعه، کسانی این آیه را به فتح لام اول در لَزُولُ خوانده است. بنابر این قرائت «ان» بازم وصلیه نمی شود، بلکه مخففه از ثقیله می شود و مرحوم ملافتح الله کاشانی در تفسیر خود آیه مذکور را بنابر این قرائت با ادات تاکید (بدرستی که) ترجمه کرده است.

شیخ طوسی و علامه طبرسی در تفاسیر تبیان و مجمع البیان، کلام مفصلی را از نحوی بزرگ، ابوعلی فارسی، در توضیح و ترکیب آیه بنابر دو قرائت مختلف نقل می کنند که خلاصه آن را در این جا آوردیم. همین مطلب در تفسیر مرحوم ابوالفتوح رازی نیز آمده است.

۹. «شرح المختصر علی تلخیص المفتاح»، سعدالدین تفتازانی، تحقیق عبدالمتعال الصعیدی، ج ۱/۱۴۴.

۱۰. ابوالفتوح رازی در آیه ۴۹ سوره روم، با آن که تذکر می دهد «ان» در آیه، مخففه از مثقله است، آن را به صورت وصلیه معنی می کنند. ر. ک: «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، تحقیق دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر مهدی ناصح، ج ۱۵/۲۷۰.

۱۱. فصلنامه «بیّنات»، مقاله «اصطلاحات قرآنی در محاوره فارسی»، بهاءالدین خرمشاهی، سال اول، شماره ۱/۳۸، بهار